



تحلیل هفته

تشدید مقاومت و اعتراض‌های کارگران به رغم سرکوب‌ها



صادق کار

وعده رسیدگی توسط کارفرمایان و مسئولان محلی اعتصاب‌های مذکور خاتمه یافتند. اما به دلیل عدم پایبندی کارفرمایان به وعده‌هایشان این اعتصاب‌ها در هر

در اعتراض به تعویق طولانی در پرداخت دستمزد و حقوق‌هایشان و رد نشدن حق بیمه‌هایشان مبادرت به اعتصاب و تجمع کردند. قبل از آن نیز چندین اعتصاب دیگر در اعتراض به همین مسایل در هر سه کارخانه صورت گرفته بود که با

طبق گزارش رسانه‌ها تقریباً بطور هم‌زمان چندین اعتصاب و اعتراض در واحدهای بزرگ صنعتی در هفته گذشته شروع شد که همچنان ادامه دارند. کارگران نیشکر هفت تپه، سیمان کارون و کارخانه گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، هر سه



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

**وزارت کار به جای این که
بواسطه مسئولیت خود،
بر اجرای قانون کار توسط
کارفرمایان نظارت کند، در مقابل
قانون شکنی آشکار کارفرمایان،
نسبت به سرکوب و بازداشت
کارگرانی که صرفاً بخاطر نگرفتن
دستمزد و مطالبات مشابه
مبادرت به اعتصاب کرده اند،
توسط نیروهای انتظامی و بی
دادگاه های حامی سرمایه داران
سکوت می کند**

به خاطر سوء استفاده های
مختلفی که اشاره شد، این رویه به
شکل سراسری درآمده و دیگر
کمتر کارفرمایی را می توان یافت
که از این رویه پرسود به آسانی
برکنار بماند. در این میان مسئولان
دولتی در وزارت کار به جای وادار
کردن کارفرمایان به رعایت قانون،
سکوت کامل پیشه کرده اند و راه را
برای سوء استفاده، زورگویی و حق
کشی سرمایه داران باز
گذاشته اند، تا هر طور که میل شان
می کشد با کارگر رفتار کنند.

گرفته اند سرباز بزنند، هم مالیات
کمتری بدهند و هم این که از مزایا
و دستمزد کارگران کم کنند و فشار
و شرایط کاری دشوارتری را بر آن
ها تحمیل کنند.

عده ای از آن ها نیز با دستمزدهای
معوقه در جاهای دیگری سرمایه
گذاری می کنند و سودش را می
برند. تصورش را بکنید نگه داشتن ۵
ماه دستمزد ۵ هزار کارگر چه
سرمایه هنگفتی می شود که چه
کارها با آن نمی شود کرد!
متاسفانه نگه داشتن دستمزدها و
پرداخت هر چند ماه بخشی از
دستمزدهای معوقه با وجود این که
غیر قانونی است، به موجب قانون
کار جرم مسئولان دولتی بوده و به
تبع آن کارفرما مقصر و مستوجب
پیگرد است، ولی مقامات دولتی در
مواردی که حتی یک یا چند ده
کارگر در اثر حوادث کاری کشته و
مصدوم شده اند، به جای معرفی
کارفرما و یا مسئول ذیربط به
مقامات دادگستری برای محاکمه و
مجازات، در صدد تبرئه کارفرما و
مسئولان مرتبط با قضیه و انداختن
تقصیر حادثه به گردن کارگران
بوده اند، که این خود نیز سبب
آسودگی خیال کارفرمایان از پیگرد
قانونی گردیده و در افزایش حوادث
نقش زیادی داشته است.

سه واحد، در هفته گذشته از سر
گرفته شدند. کارفرمایان با نپرداختن
دستمزد و رد نکردن حق بیمه
کارگران و خانواده هایشان را چنان
در تنگنا مالی قرار داده اند که راه
دیگری به غیر از اعتصاب مجدد
برایشان باقی نگذاشته اند. این
گونه رفتار با کارگران در جایی
صورت می گیرد که علاوه بر این که
مهمترین مرکز نفتی ایران است،
بلکه بیشترین درآمد کشور را تامین
می کند و یکی از مهمترین قطب
های صنعتی و کشاورزی کشور هم
هست. هر سه واحدی که در آن ها
اعتصاب جریان دارد نیز از واحدهای
حائز اهمیت اقتصادی کشور
هستند. البته به غیر از این کارخانه
ها، در سایر واحدهای تولیدی
خصوصی شده وضع کمابیش
مشابه است و هر آن احتمال
اعتصاب در آن ها وجود دارد. بهانه
همه کسانی که این کارخانه ها را
با شرایط نازل و به صورت قسطنطینی
از دولت به اصطلاح خریده اند برای
ندادن بدیهی ترین حقوق کارگران
مانند دستمزد و سهم بیمه
کارفرمایی سودآور نبودن تولید و
کمبود منابع مالی و توجیهات
مشابه است. اما واقعیت این است
که این توجیهات، بهانه هایی
هستند که هم از پرداخت اقساط
وام های بانکی که برای کارخانه





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

شان بر اجرای قانون کار توسط کارفرمایان نظارت کند، در مقابل قانون شکنی آشکار کارفرما و سرکوب و بازداشت کسانی که صرفاً بخاطر نگرستن دستمزد و مطالبات مشابه مبادرت به اعتصاب کرده اند، توسط نیروهای انتظامی و بی دادگاه های حامی سرمایه داران سکوت می کند. این در حالی است که مسئولان دولتی بهتر از هرکسی می دانند که پرداختن دستمزد ناچیز کارگران طی چهار ماه پیاپی چه عواقب وخیمی روی زندگی خانواده های کارگری دارد، و هیچ شخصی نمی تواند چنین وضعی را تحمل کند و ناگزیر است در مقابل این برخورد ظالمانه سرمایه داران و حامیان دولتی شان اعتراض اختیار کند. تکرار این اعتصاب ها و تشدید مقاومت و اعتراض ها کارگران به رغم سرکوب، باید به کارفرمایان، دستگاه جبار قضایی و مسئولان دولتی نشان داده باشد که با سرکوب، اخراج و محاکمه کارگران گرسنه نمی توانند کارگران را از پیگیری مطالباتشان بازدارند.

همبستگی و ایستایی کارگران در هفت تپه موجب آزادی کارگران بازداشتی شد و مدیر صنایع فولاد خوزستان پس از یک هفته مقاومت کارگران این کارخانه یک قدم عقب نشست و حق بیمه کارگران را پذیرفت که پرداخت کند. این دو تجربه بار دیگر نشان داد که به رغم این که همه نهادهای حکومتی و کارفرمایان علیه کارگران هستند و نشانه ای از تغییر این رویه در آینده در دست نیست، این خود کارگران هستند که می توانند با استفاده از تجربیات مبارزاتی شان با همبستگی، تداوم مبارزه و ایجاد تشکل سندیکایی کارفرمایان و حامیان دولتی و غیر دولتی شان وضع را به سود خود دگرگون کنند.

که به سن بازنشستگی می رسند ولی وقتی تقاضای بازنشستگی می کنند، معلوم می شود که کارفرما چند سال حق بیمه شان را واریز نکرده و نمی توانند بازنشسته شوند، یا زمانی که کارگر ناخواسته بیکار می شود از دریافت حقوق بیکاری محروم می ماند. وقتی که گزارشات مربوط به اعتصابات کارگری را می خوانیم، در می یابیم که حداقل در ۵۰ درصد آن ها رد نشدن حق بیمه نیز در کنار یک یا چند مطالبه صنفی دیگر یکی از دلایل اعتصاب ها بوده است. چنان که گزارش ها نشان می دهند، یکی از دلایل اصلی پیوستن کارگران بازنشسته در مجتمع هفت تپه عدم پرداخت حق بیمه توسط کارفرماست. در مورد فولاد خوزستان و سیمان کارون هم نکته مذکور صادق است. این در حالی است که قبلاً در کارخانه های غیر خصوصی حق بیمه کارگران به صورت مداوم برای تمام کارکنان رد می شد و دستمزدها و سایر مزایا سر موقع به کارگران پرداخت می گردید. اما با وجود اسناد غیر قابل انکار در این مورد وزیر تعاون، رفاه و کار مرتباً آمارهای نادرست از افزایش تعداد بیمه شدگان می دهد. و بدتر از همه این است که وقتی کارگران به خاطر تعویق چند ماهه و یا یک ساله دستمزدشان و ابطال دفترچه های بیمه شان اعتراض می کنند، کارفرمایان تازه به دوران رسیده با هم دستی نیروهای انتظامی و قوه قضایی مانند آن چه در جریان اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه شاهدش بودیم به کارگران یورش می آورند و پس از ضرب و شتم شان ۲۰ کارگر را بازداشت و برای آزادی شان ۲۰ میلیون ضمانت صادر می کنند. در این میان مسئولان وزارت کار به جای این که بواسطه مسئولیت

مسئولان سازمان تامین اجتماعی نیز به جای این که کارفرما ها را مطابق قانون وادار به پرداخت سهم کارفرمایی و رد کردن لیست بیمه کارگران شان کنند، بیمه کارگر را قطع می کنند و جانب کارفرما را می گیرند.

تکرار این اعتصاب ها و تشدید مقاومت و اعتراض ها کارگران به رغم سرکوب، باید به کارفرمایان، دستگاه جبار قضایی و مسئولان دولتی نشان داده باشد که با سرکوب، اخراج و محاکمه کارگران گرسنه نمی توانند کارگران را از پیگیری مطالباتشان بازدارند

جالب این که حق بیمه کارگر قبل از پرداخت دستمزد کارگر توسط کارفرما کم می شود، ولی آن ها با تاخیر چند ماهه حق بیمه را به صورت تدریجی به حساب تامین اجتماعی واریز می کنند و درست مانند دست مزدهای معوقه از این طریق نیز کسب سود می کنند و عده ای از آن ها نیز هرکدام چند سال بدهی به تامین اجتماعی دارند، با وجود این که سهم حق بیمه کارگران شان را پیشاپیش از دستمزد ماهانه شان کسر کرده اند، ولی حتی آن را هم به تامین اجتماعی نمی پردازند. جالب این که خود دولت نیز سالهاست که در موارد بسیاری سهم بیمه خودش را پرداخت نمی کند و شاید به همین دلیل است که به کارفرمایان برای پرداخت حق بیمه شان فشار نمی آورد. در نتیجه بیمه کارگران قطع می شود و کم نیستند کارگرانی



جنبش اتحادیه های صنفی در بنگلادش

(بخش هشتم)



علیرغم پراکندگی اتحادیه ای در بنگلادش، کارگران به شمول زنان کارگر، حضور قابل توجهی در اتحادیه ها دارند

مسائل، اهداف و مقررات
مصباح الدین احمد
ترجمه کودرز

(فرمان جاری) مصوب ۱۹۶۵

مساله وابستگی مالی به احزاب سیاسی به یک خصیصه جنبش اتحادیه های صنفی در بنگلادش تبدیل شده است. مثالی در این مورد اتحادیه سراسری کارگران بنگلادش (جاتیو سرامیک لیگ) شاخه کارگری حزب عوامی لیگ است که حالا در نقش نماینده کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های صنفی (ICFTU) عمل می کند. قبلا همین اتحادیه به فدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی (WFTU) که متمایل به اتحاد شوروی بود، وابسته بود. با انحلال اتحاد شوروی و دولت های سوسیالیستی اروپای شرقی فدراسیون جهانی منابع و امکانات مالی خود را از دست داد و تعداد اعضایش نیز کاهش یافت، بطوری که دیگر قادر نبود بلیط هواپیما و هزینه اقامت در هتل متروپول و اوکراین را برای نمایندگان اش در مسکو به عهده گیرد. گرچه در دهه ۸۰ رهبر عوامی لیگ، شیخ حسینا، شخصا برای عضویت اتحادیه جاتیو سرامیک لیگ در فدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی اقدام کرده بود، اما اتحادیه پس از او برای تغییر عضویت به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های صنفی هیچ وقتی را تلف نکرد.

گرچه برای وحدت اتحادیه های صنفی فشار زیادی از پایین و بدنه اعضا به اتحادیه وارد می شود، اما اتحادیه های وابسته به احزاب بیشتر شبیه به زائده های حزبی عمل می کنند. طبق فرمان صادره وسیله ژنرال ضیاءالرحمن در سال ۱۹۷۷ فدراسیون مرکزی اتحادیه های صنفی باید در دفتر ثبت رسمی و مدیریت کارگری ثبت نام می کردند. لیست ذیل اتحادیه هایی را که از آن زمان ثبت نام کرده اند، نشان می دهد؛ گرچه تاریخ ثبت ذکر شده در این لیست لزوما بمعنی تاریخ شروع کار اتحادیه ها نیست.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

لیست فدراسیون های اتحادیه صنفی که در دفتر رسمی کارگری به ثبت رسیده اند:

توضیح	وابسته به سازمان جهانی	وابستگی سیاسی	شماره و تاریخ ثبت	نام اتحادیه
		گروه کمونیستی بنگلادش	BAJAFE-1 30.08.1977	فدراسیون اتحادیه های کارگری
	WFTU	حزب کمونیست بنگلادش	BAJAFE-2 19.10.1977	مرکز اتحادیه های کارگری بنگلادش
قبلا با حزب سوسیالیست ملی بنگلادش	WCL		BAJAFE-4 06.07.1978	فدراسیون جامع کارگری بنگلادش
			BAJAFE-5 27.10.1978	انجمن اتحادیه های کارگری بنگلادش
قبلا با گروه کارگری ملی	WFTU		BAJAFE-6 04.12.1978	اتحادیه ملی کارگران
	ICFTU	حزب بنگلادش	BAJAFE-7 26.04.1979	گروه کارگری ملی بنگلادش
	ICFTU		B-1676 02.10.1973	اتحادیه کارگری ملی بنگلادش
		جماعت اسلامی	BAJAFE-8 15.05.1980	فدراسیون کالایان کارگران بنگلادش
	WFTU	حزب کارگر	BAJAFE-9 31.12.1980	فدراسیون ملی کارگران، بنگلادش
		کانون نویسندگان	BAJAFE-12 21.03.1983	فدراسیون اتحادیه های صنفی بنگلادش
WFTU قبلا با	ICFTU	عوامی لیگ	BAJAFE-13 28.04.1983	اتحادیه سراسری کارگران
	ICFTU		BAJAFE-16 15.12.1983	کنگره اتحادیه های آزاد صنفی
			BAJAFE-17 29.05.1984	فدراسیون کار بنگلادش
	ICFTU	حزب ملی کارگر	BAJAFE-19 23.03.1980	حزب ملی کارگر
دیگر موجود نیست			BAJAFE-20 23.08.1987	فوروم ملی کار بنگلادش
			BAJAFE-21 29.09.1987	فدراسیون ملی کارگران بنگلادش
		حزب سوسیالیست بنگلادشی	BAJAFE-22 05.12.1988	جبهه کارگران سوسیالیست
		حزب سوسیالیست ملی بنگلادش	BAJAFE-23 26.02.1990	اتحادیه ملی کارگران بنگلادش
با حزب کار ادغام شد			BAJAFE-24 19.03.1999	فوروم ملی کار
			BAJAFE-25 28.05.1990	فدراسیون ملی اتحادیه های صنفی
با گروه کارگری ملی ادغام شد			BAJAFE-26 30.05.1990	فدراسیون ملی کارگران
			BAJAFE-27 16.08.1992	فدراسیون کارگران بنگلادش

WFTU: فدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی

ICFTU: کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های صنفی

WCL: کنفدراسیون جهانی کار (قبلا مسیحی کارگران جهانی)



بولتن کارگری

کارگروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

دیگر کشورها

سندیکاهاى بزرگ کارگری ونزوئلا، در برابر اپوزیسیون راست خشونت طلب



اشاره:

نبرد مابین نیروهای اپوزیسیون راست و دولت چپ گرای ونزوئلا با گذشت زمان شدت بیشتری به خود گرفته است، نیروهای اپوزیسیون که بخشی از سندیکا های کارگری را بدست دارند، با اعلام اعتصاب عمومی سعی در فلج کردن دولت دارند و از سویی دیگر با درگیری خیابانی در ابعاد مختلف تلاش می کنند که دولت را وادار به استعفا کنند، سندیکا های طرفدار دولت نیز که بخش بزرگی از کارگران را نمایندگی می کنند، در این تنش های سیاسی با تمام قدرت در کنار دولت ایستاده اند، این سندیکا ها با اعلام فراخوان عمومی اعلام کرده اند که در هر واحد صنعتی که اعتصاب انجام شود، اعضای آن توانایی جایگزین شدن را دارند و همین حمایت باعث گردید تا نیرو های اپوزیسیون نتوانند در بخش کارگری موفقیتی برای خود بدست آورند.

در نهایت آن چه که حرف آخر را می زند، رجوع به انتخابات و نظر مردم بود که در ونزوئلا رخ داد و... در زیر متن کامل خبر مربوط به کانون بولیواریایی سوسیالیست کارگران و آن چه در انتخابات این کشور به وقوع پیوست را از نگاه چند ناظر تقدیم شما می شود:



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

به دعوت **کانون بولیواریایی سوسیالیست کارگران** دانیل دیویریو، ریکاردو کاخیگاس و هکتور کاستیانو رهبران **PIT-CNT** سندیکای کارگران اروگوئه (با ۴۰۰ هزار عضو) در روز ۳۰ ژوئیه در کاراکاس پایتخت ونزوئلا حضور داشتند، تا از نزدیک شاهد چگونگی برگزاری انتخابات مجلس موسسان در این کشور شوند.

دانیل دیویریو در یکی از گزارشهایش می نویسد: روند انتخابات با آرامش پیش می رود و در بعضی از مراکز رای گیری میزان کسانی که در صف انتظار هستند، به چند هزار تن می رسد.

او اضافه می کند: تا کنون برخوردی میان پلیس و نیروهای اپوزیسیون مشاهده نکرده ایم، اگر چه در بعضی از مراکز رای گیری نیروهای اپوزیسیون سعی در ممانعت از ورود اشخاص به محل رای گیری را دارند. "نیروهای پلیس فقط هنگامی مداخله می کنند که امکان بروز خشونت وجود دارد".

نمایندگان سندیکای کارگران اروگوئه در بخش دیگری از گزارش تاکید می کنند: "در شرق کاراکاس به خاطر جلوگیری از جریان رای گیری توسط نیروهای اپوزیسیون در بعضی از مراکز، مسئولان محبور شدند، یک مرکز ورزشی را برای استمرار رای گیری اختصاص دهند.

ریکاردو کاخیگاس یکی دیگر از ناظران در گزارش خود چنین آورده است: مطابق قانون اساسی ونزوئلا نتایج رای گیری هرچه شود، مورد قبول و قانونی است، قانونی بودن آن مستقل از میزان شرکت کنندگان در انتخابات است، اگر چه با توجه به مشکلات حضور در مراکز رای گیری در این کشور، رقمی معادل ۴۰ درصد شرکت کننده در انتخابات، عدد بالایی است و قابل پذیرش، باید توجه داشت که در ونزوئلا شرکت در انتخابات اجباری نیست.

مقابله با اعلام اعتصاب عمومی ۴۸ ساعته از طرف نیروهای اپوزیسیون دولت ونزوئلا

در آستانه شروع اعتصاب اعلام شده از طرف نیروهای مخالف دولت در ونزوئلا **ویلس رانگل رئیس کانون بولیواریایی سوسیالیست کارگران** اعلام داشت: وزارت کار و سندیکایی که او ریاستش را بعهدہ دارد تصمیم دارند تا در صورت وقوع اعتصاب در بعضی از کارخانه ها، کارگران جانشین را وارد این واحد های تولیدی کرده و از این طریق مانع از افت تولید در میهن خواهند شد.

شکست اپوزیسیون در اعتصاب ۴۸ ساعته

ویلس رانگل رئیس **کانون بولیواریایی سوسیالیست کارگران** در پایان زمان اعتصاب ۴۸ ساعته از طرف نیروهای مخالف دولت اعلام داشت:

دعوت به اعتصاب از جانب نیروهای راست گرای مخالف دولت با شکست کامل روبرو شد، او اضافه کرد: **این کشور را هیچ گاه نه نیروهای فاشیسم و نه نیروهای تروریست فلج نخواهند کرد.**

رانگل اعلام داشت که نمایندگان سندیکاهای اروگوئه، ترینیداد توباگو، پاناما و نیکاراگوا در ونزوئلا حضور دارند، تا از نزدیک شاهد چگونگی پیشرفت دعوت به اعتصاب نیروهای اپوزیسیون گردند.

در پایان ۴۸ ساعت زمان اعلام شده برای برقراری اعتصاب، ویلس رانگل اعلام داشت، که در تمامی صنایع کلیدی کشور نظیر، نفت، حمل و نقل، مخابرات و برق این مراکز با حداکثر ظرفیت خود به کار اشتغال داشتند.

نمایندگان سندیکاهای کارگری اروگوئه در ونزوئلا





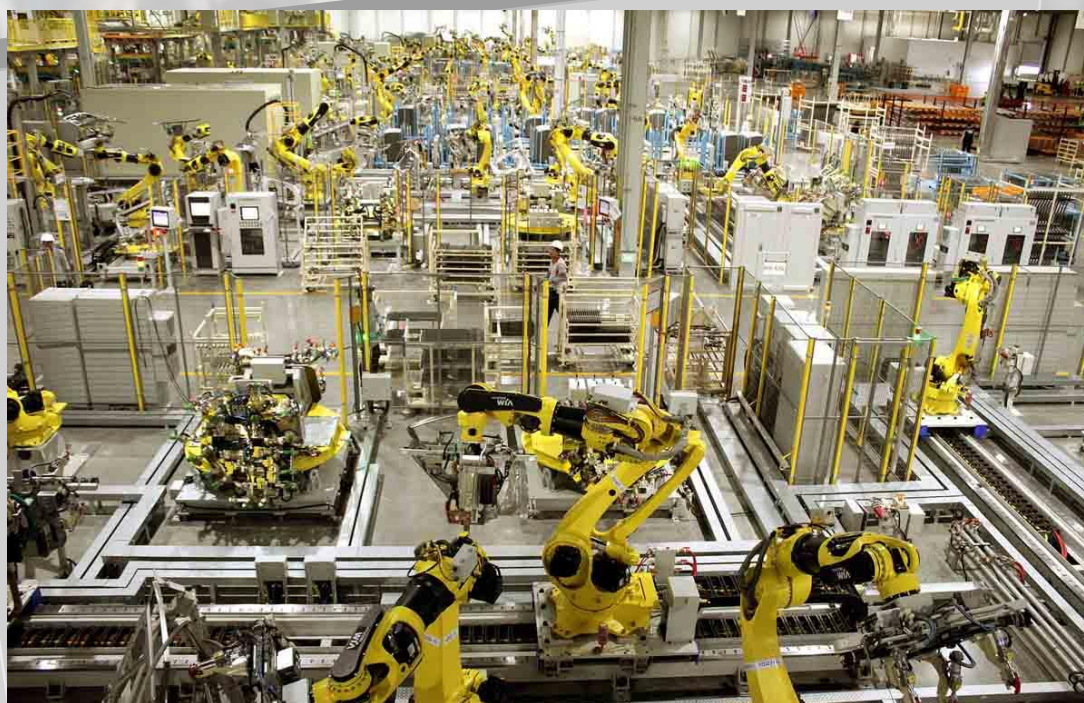
بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

از جهان کار

جهان بدون کار

(بخش ۱۲)



دیرک تامپسون

آتلانتیک، اوت ۲۰۱۵

اشاره

بخش پیشین نوشته با این گزاره خاتمه یافت: "امریکا، در آستانه یک افت شدید در فرصت‌های شغلی، می‌تواند از تجربه آلمان در امر "اشتراک شغل" درس بگیرد. دولت آلمان شرکتها را تشویق می‌کند به عوض این که تعدادی از کارکنان شان را در مواقع بحرانی اخراج کنند، از ساعات کار کلیه آنان بکاهند. به این ترتیب کارخانه‌ای، مثلاً با ۵۰ کارکن، می‌تواند به عوض اخراج ۱۰ کارکن، ۲۰ درصد از ساعات کار تمام کارکنان اش بکاهد. چنین سیاستی به کارگران شرکت‌های جاافتاده کمک خواهد کرد، علیرغم افت عمومی کار، ارتباط خود را با بازار و نیروی کار حفظ کنند."

۶. دولت: دست پیدا

(ادامه از شماره قبل)

تواند موجب توزیع متفاوت قایچهای کیک باشد. نهایتاً واشنگتن نیز ناگزیر خواهد شد به نحوی دست به توزیع ثروت بزند.

توزیع کار به این طریق طبعاً محدودیت‌های خود را دارد. برخی از مشاغل را نمی‌توان به سادگی به مشارکت گذاشت. به علاوه تسهیم مشاغل موجود نمی‌تواند پایانی بر کوچکتر شدن مداوم "کیک کار" باشد. این اقدام فقط می‌



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

سالمندان - که جمعیت رو به افزایش را تشکیل می دهند - فراهم خواهند آورد.

اما اگر تعادل کار باز هم به جانب کارهای خرد و دوره ای حرکت کند، آنگاه ساده ترین راه برای کمک به همگان برای آن کاری داشته باشند، احتمالاً این خواهد بود که دولت تکفل یک بازار کار سراسری آنلاین را به عهده گیرد. البته چین نقشی می تواند توسط یک سری دولت محلی، که توسط دولت مرکزی حمایت می شوند، نیز ایفا گردد.

در این صورت افراد می توانند به جستجوی پروژه های بلندمدت - مثل بازسازی لازم پس از یک سانحه طبیعی بزرگ - یا پروژه های کوچک و موقت - مثل یک ساعت تدریس، نوبتی پذیرائی از دیگران یا شرکت در جلسه یک کمیته هنری - دست زنند.

تقاضاها می توانند از طریق دولتهای محلی یا انجمنهای اهالی یا گروه های غیرانتفاعی اعلام شوند، یا توسط خانواده های ثروتمندتری که به دنبال پرستار بچه برای نوزادانشان یا معلم سرخانه اند، یا کسان دیگری که هر ساله قدری از اعتبارشان را (به جای پول که دیگر وجود نخواهد داشت) روی سایت این پلتفرم سراسری "خرج" می کنند.

دولت برای تضمین سطح پایه ای ارتباط با بازار کار، می تواند به عموم افراد بالغ مبلغ ثابتی به ازای سطح معینی از فعالیت روی سایت بپردازد، اما افراد همیشه می توانند "پروژک"های بیشتری را بپذیرند.



کامیونهای فردا

یکی از راههای توزیع ثروت می تواند بستن مالیاتهای سنگین و سنگینتر به درآمدی باشد که نصیب صاحبان سرمایه می شود. آن گاه باید عموم بزرگسالان را در پول حاصله برخوردار کرد. این ایده - که درآمد پایه همگانی نامیده می شود - از حمایت قابل توجهی برخوردار شده است. بسیار از چهره های لیبرال اخیراً از آن حمایت کرده اند. در سالهای دهه ۶۰ قرن گذشته حتی ریچارد نیکسون و اقتصاددان محافظه کاری چون میلتون فریدمن نیز از این ایده حمایت کردند. از این سابقه که بگذریم، سیاست ناظر بر درآمد همگانی بدون وجود کار همگانی سیاست دلهره آوری است. ثروتمندان می توانند، با حدودی صحت، مدعی شوند که حاصل کار سنگین آنان توسط میلیونها "بیکاره" میل می شود. دیگر این که اگرچه درآمد همگانی می تواند جایگزین کار از دست رفته شود، اما برای حفظ رضایتمندیهای اجتماعی ناشی از اشتغال کار چندانی بکند.

مستقیمترین راه حل مسئله اخیر شاید این باشد که دولت بابت انجام بعضی اقدامات توسط شهروندان به آنان حق الزحمه پرداخت کند. اگرچه این روش طعم راه حلهای سوسیالیستهای قدیم اروپا را دارد، بی شباهت به سیاست "کارسازی" در زمان بحران بزرگ هم نیست، اما برای حفظ فضایی چون حس مسئولیت، نمایندگی و ارزشمندی می تواند بیشترین کارائی را داشته باشد. حجم کار سازمان "مدیریت توسعه کار" در سالهای دهه ۱۹۳۰، از بازسازی کل زیرساخت ملی هم فزونی گرفت. این سازمان ۴۰ هزار هنرور و دیگر کارگران فرهنگی را به کار گرفت تا دست به تولید موسیقی، تئاتر، نقاشی و نقاشی دیواری بزنند؛ برای سفرهای محلی و سراسری راهنما درست کنند؛ و در آرشیو و داده های ملی-دولتی تحقیق کنند. تصور ایجاد سازمان و ابتکاری چون "مدیریت توسعه کار" یا کوششی حتی از این پرتزفیت تر برای مواجهه با آینده بدون کار ابداً غیرممکن نیست.

چندوچون چنین کوششی احتمالاً چه خواهد بود؟ احتمالاً چندین پروژه سراسری امکان و اجازه استخدام مستقیم را، از جمله برای مراقبت از



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

بازداشت منتخب

سرکوب کارگران با کدامین اصول قانونی

Kmkoomk.wordpress.com



اخبار دستگیری کارگران نیشکر هفت تپه خوزستان دربرخی از رسانه ها بازتاب یافت. منبع خبر ایلنا و بی بی سی

... "نیمه شب سوم مرداد ماه حدود ۱۵ کارگر این کارخانه توسط نیروی انتظامی بازداشت شده اند . . . علت بازداشت این افراد تجمع در دومین روز اعتصاب در محور شوش به اهواز و مختل کردن تردد در این مسیر بوده است." دولت های پس از جنگ با حذف قانون کار زیرکانه برای یافتن شریک جرمی در پایمال کردن اصول قانون اساسی و حذف قانون کار که در بعضی از اصول آن، از حقوق کارگران دفاع کرده است، توانسته اند پای قوه قضاییه را به بازار کار باز کنند تا هر سه قوه و نیروهای انتظامی در قانون زدایی شریک این دولت ها بشوند.

کارگران هفت تپه به این دلیل به اعتصاب و راه بندان اقدام کردند چون نه وزارت کار و نه هیچ نهاد دیگر حاکمیت در این چند ساله به علت اعتراضات کارگران و به نیاز های قانونی آنها توجهی نکرده اند و به جای رسیدگی به وضع آنها هر بار عده ای از آنها را با کمک

محاکم شرع به زندان محکوم کرده اند. در حالیکه این " کارآفرین " های دولت بودند که از پرداخت حقوق کارگران خود داری کرده و حقوقشان را بر اساس میزان کارشان برآورد نمی کنند. نیروهای انتظامی کارگران را دستگیر می کنند و محاکم شرع هم برای اینکه در تاریخ تمدن بشری در صدر بی عدالتی قرار گیرند، پذیرفتند به جای هییت های حل اختلاف با کارگران مانند یک جنایت کار برخورد کنند. نه مانند دو طرف یک قرارداد کار، که یک طرف از انجام وظیفه اش که پرداخت ماهانه حقوق کارگران است خود داری می کند. اگر جرمی اتفاق افتاده باشد به وسیله " کارآفرین " شماست نه کارگران. کارگران طبق اصول قانون اساسی سندیکای خود را تشکیل دادند، ولی شما با زیر پا گذاشتن این اصولی که وجود شما را به عنوان دولت مشروعیت می دهد، سندیکالیست ها را به زندان می اندازید!!! قانون کار را که بر اساس اصول قانون اساسی می باید تنظیم نمایید با هزاران ایراد قانونی تنظیم کردید، ولی همین شیر بی یال و دم را هم از بازار کار ایران حذف کردید تا اربابان شما در صندوق بین المللی پول اظهار خشنودی کنند. (عجب مشتری توی دهن آمریکا زدید و عجب مبارزه با امپریالیستی؟؟)

نیروهای انتظامی کارگران را دستگیر می کنند و محاکم شرع هم برای این که در تاریخ تمدن بشری در صدر بی عدالتی قرار گیرند، پذیرفتند به جای هییت های حل اختلاف با کارگران مانند یک جنایت کار برخورد کنند



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

ورزی؛ این طرح باعث می شود که یک دانش آموخته دانشگاه، یک جوان، برای ایجاد زندگی و خانواده باید به عنوان کار آموز با ماهی ۳۱۰ هزار تومان کار کند، یعنی یک سوم حداقل حقوق که خود حداقل حقوق با خط فقر فاصله بعیدی دارد. آن هم بدون تضمین استخدام پس از " کار آموزی". دوران برده داری فرعون و رم هم حداقل، محل خواب و خوراک برده ها را تامین می کرد، نه گور خوابی وجود داشت و نه فروش کودکان برای جای دادن کلیه هایشان در تن سرمایه داران آن سوی خلیج !!! آن هایی که قانون اساسی و قانون سر و دم بریده قانون کار را لگد مال می کنند، برای حفظ آبروی رفته اشان به دنبال شریک جرم هستند، تا در تاریخ بعد از این، بدنامی ضد مردمی شان را بین همه نهادهای حکومتی سرشکن کنند. از این رو با ترفند، پای قوه قضاییه را وارد بازار کار کردند، تا به جای هییت های حل اختلاف نظر بدهند که در این مورد به خوبی موفق شدند و کارگران را که برای دریافت حقوق های به تعویق افتاده اشان دست از کار می کشند که از نظر قانونی این عمل کرد اعتصاب نیست که اگر هم باشد طبق اصول قانون اساسی است، ولی آقایان با (کلاه شرعی) آنها را به شلاق و زندان محکوم می کنند. بدون اینکه حتی یک بار یک دلال کار (کارآفرین) را برای عدم پرداخت حقوق کارگران مجازات کرده باشند. همه ی این عمل کردهای دولت های پس از جنگ برخلاف قانون اساسی است و مشروعیت ندارد و ایران را به پنجاه سال پیش از انقلاب مشروطه باز می گرداند، به دورانی که نیازمند یک مستشارالدوله دیگری است و کتاب " یک کلمه" او؛ و فریاد مشروطه خواهی. بدین وسیله اتحادیه نیروی کارپروژه ای ایران با کارگران هفت تپه اظهار هم دردی می کنند و برخورد نیروی انتظامی و محاکم شرع با کارگران را محکوم می کنند، قضاوت در مورد این اختلافات با هییت های حل اختلافی است که آن را از میان

افرادی است که به این قانون و دولت باور دارند، تا آنها هم دریابند در حاکمیتی زندگی می کنند که در واقعیت عمل کردهایش، پایبندی به هیچ قانونی از جمله قانون اساسی وجود ندارد.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سردمدار این گرایش ۱۸۰ درجه ای در مناسبات اقتصادی ایران با دولت رفسنجانی و مشاوران اقتصادی (نولیبرالی) او که هم اینک جزو مشاوران ارشد رییس جمهور هستند، آغاز شد. که در آن مقطع، همه مناطق بزرگ صنعتی ایران رابه نام مناطق آزاد تجاری - صنعتی از شمول قانون کار خارج کردند، عمل کردی ضد قانون اساسی ایران. پسوند این گرایش واپس گرایانه را رهبر محبوب اصلاح طلب ها خاتمی با خارج کردن همه کارگاه های زیر ۱۰ کارگر را از شمول قانون کار کامل نمودند، و مجلس اصلاح طلب ها هم با تایید صد درصدی آن، واقعیت و سرشت اصلاح طلبی را افشا کردند. ولی ملت مسخ شده ی باورهای سده های میانه این واقعیت هارا درک نکردند. از یک سو همه کارگران صنعتی و متخصصی که سازنده صنایع مادر هستند، هم چون پالایشگاه ها و پتروشیمی ها و نیروگاه از شمول قانون کار خارج نمودند واز سوی دیگر همه کارگاه های زیر ۱۰ کارگر را به وسیله رهبر "گفتگوی تمدن ها" خاتمی از بازنشستگی و . . . محروم کردند. این روند که زیر سایه حاکمیت دینی صورت می گیرد، با کدامین اصول قانون اساسی که به همه حاکمیت شما مشروعیت داده است قابل انطباق است؟! مدعی آزادی بازار هستید معنای ساده و بدون تعبیر و تفسیر این جمله، یعنی کارگر هم حق دارد سندیکای خود را تشکیل دهد و دولت حق دخالت در این امر را ندارد. همین طور بر اساس اصول قوانین کور بازار آزاد (عرضه و تقاضا) هیچ نهاد حاکمیتی حق پیش گیری از تجمع کارگران را ندارد. دولت های پس از جنگ شما به کدامین اصول پایبند هستید؟!

آخرین ضربه مرگ بار به کارگران را دولت روحانی با طرح اصلاح قانون کار به پیکر کارگران زدند. اعتراضات کارگران این طرح ضد قانونی و ضد انسانی را به عقب راند. ولی وزارت کار پیشنهادی بدتر از آن را به میدان آورد . طرح کار برداشته اید. وظیفه این دو نهاد برخورد با جنایت کارن است نه طرف های قرداد کار، که یکی از آنها (سرمایه دار) به وظایف خود عمل نمی کند.

برخی از کارگران به اتحادیه ابراد می گیرند و باور دارند، استناد اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران به اصول قانون اساسی، استناد به یک توهم است. زیرا چنین قانونی در عمل وجود خارجی ندارند. این اتحادیه هم باور دارد در عمل کرد دولت های پس از جنگ این واقعیت نهفته است. ولی همین دولت هاهنوز شهامت آن را ندارند که رسماً به دور ریختن قانون اساسی اعتراف کنند، زیرا؛ مشروعیت امروز آنها در سطح جهانی به وجود همین قانون وابسته است. این استناد اتحادیه، برای خیل آن



دغدغه های تشکل های صنفی و دولت روحانی

به نقل از سایت حقوق معلم و کارگر

محمود صدیقی پور

آیا دولت روحانی اعتقاد و عزم آن را دارد که نهاد های مدنی مستقل و تشکلهای صنفی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و... که هدفی جزء بهبود اوضاع و همکاری با مسئولان دلسوز در راستای اعتلای ایران عزیز را ندارند و دغدغه حل معضلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی قرار و آرام را از آنها گرفته را مشاور و یاور خود در جهت بهبود اوضاع نابسامان کشور بدانند؟ اگر چنین است چرا در جهت تثبیت تشکل های مستقل و دل سوز در حد دادن یک مجوز رسمی اقدامی نمی کند؟

از یک طرف با استانی کردن تشکل های صنفی و معلق نگه داشتن آنها هر گونه حرکت فعالانه را از آنها سلب کرده و باعث اختلاف و تفرقه در بین تشکل ها گردیده و از طرف دیگر تشکل ها را به مشاوره با دولت فرا می خواند و پیوسته با بهانه قرار دادن بسته بودن دست دولت و ممانعت نهاد های امنیتی و قدرت های فراقانونی، از مسئولیت قانونی خود سر باز می زند.

اگر این یک بازی هوشمندانه دولت و نهاد های امنیتی برای خنثی سازی و منفعل کردن تشکل های مستقل باشد، مسئولیت و تدابیر تشکل ها برای برون رفت از این دام چه خواهد بود؟ تا کی باید این سیاست یک بام و دو هوای دولت ادامه داشته باشد؟ تشکل ها تا کی باید منتظر بمانند تا از این امامزاده بی معجزه، مجوزی صادر و به فعالیت قانونی خود سر و سامان بدهند؟

مدت یکسال از انتخابات مجمع عمومی بعضی از تشکل های صنفی گذشته اما تا کنون هیچ عکس العمل و اقدام عملی از وزارت کشور دولت روحانی برای صدور مجوز کانون ها صورت نگرفته و برای بعضی از تشکل ها هنوز اجازه تشکیل مجمع عمومی صادر نگردیده است. آیا تشکل های صنفی باید باز هم شاهد به زندان کشیدن فعالان و کنش گران خود که اقدامی جز دادخواهی و پیگیری مطالبات همکاران خود نداشتند، باشند. ممکن است، پرسیده شود که نهاد های مدنی محکومند که در چار چوب قانون به پیگیری مطالبات خود ادامه دهند، اما کدام قانون؟ قانونی که قاتل "بنیتا" هشت ماهه با قرار وثیقه ناچیز آزاد می گردد و دست به جنایتی چنین عظیم می زند و اسماعیل عبدی معلم شریف و فعال صنفی را که فکری جز پیگیری مطالبات فر هنگیان و بهبود نظام آموزشی ندارد، با توجه به قول های دادستانی برای آزادی وی دوباره باز داشت و به زندان بر گردانند؟ تشکل ها باید تکلیف شان را با دولت روحانی مشخص کنند و در این بلاتکلیفی که دامن گیر آن ها شده و در آینده می تواند خسارات جبران ناپذیری را به جنبش فر هنگیان مستقل تحمیل کند، با فشار و موضع روشن دولت را به پذیرفتن مسئولیت قانونی اش که همانا روشن شدن وضعیت قانونی تشکل های صنفی فر هنگیان سراسر کشور است، وادار کنند. در صورت عدم وصول به نتیجه مطلوب باید پذیرفت که اول راه هستیم و با ظرفیت های موجود و با بر نامه ریزی نو می توان این راه پر تلاطم را معقولانه، هوشمندانه و مدبرانه به پیش برد.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

تشکیل ها

بیانیه کنشگران حوزه‌های مختلف اجتماعی علیه طرح کارورزی

هجوم سیاست‌های سرمایه‌سالار حیات اجتماعی کارگران را هدف قرار داده است



مردم ایران!

کار، شکستی نسبی را متحمل شد، پروژه ای دیگر را برای خدمت به تأمین منافع خود و دیگر کارفرمایان آغاز کرد و بالاخره پس از انتخابات دولت دوازدهم و از تیرماه سال جاری شاهد اجرایی شدن طرح کارورزی هستیم؛ طرحی که ذیل «برنامه‌ی اشتغال فراگیر» قرار می‌گیرد و به شکل مستقیم حیات طبقه‌ی کارگر را نشانه رفته است.

نیست جز چشم بستن بر زندگی اکثریت کسانی که آفرینندگان واقعی ثروت و مولدان حقیقی جامعه‌اند.

طرح کارورزی که پس از شکست طرح‌های استثماری مختلف، همچون طرح استاد-شاگردی، در دولت دهم تصویب شد، مجدداً در دولت یازدهم مورد بازنگری و تنظیم قرار گرفت. این دولت که در تلاش برای تصویب لایحه‌ی اصلاح قانون

حیات اجتماعی کارگران و دانشجویان این کشور؛ همچون معلمان، پرستاران و دیگر اقشار زحمتکش، به واسطه‌ی موج جدید سیاست‌های سودمحور و زودبازده سرمایه‌سالار، مورد هجوم قرار گرفته است. سکوت در برابر چنین حملاتی تحت عنوان «دامن زدن به کشمکش‌های طبقاتی»، «سوءاستفاده‌های سیاسی- جناحی برای حمله به دولت» یا «اولویت آزادی بر عدالت» چیزی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دودوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

را مطرح کرده است، وجود ندارد. علاوه بر این، بندهای «دال» و «واو» ماده‌ی ۱۴ با تعیین معیارهایی غیرعینی که وابسته به نظر کارفرما برای فسخ قرارداد بین کارورز و کارفرماست، دست کارفرما را برای فسخ قرار باز می‌گذارند. البته تداوم همین شرایط شکننده و غیرانسانی برای کارورز نیز وابسته به میل و اراده‌ی کارفرما است.

ماهیت استثماری «برنامه‌ی اشتغال فراگیر» (به‌ویژه طرح کارورزی) هدفی جز تأمین نیروی کار بسیار ارزان و بی‌ثبات برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی ندارد و پیامد آن افزایش ناامنی شغلی و تضعیف بیش از پیش سطح زندگی برای طبقات فرودست است

سه. طرح کارورزی شرایط کاری را برای کارگران شکننده و بی‌ثبات می‌کند. با وجود واردکردن قیودی در دستورالعمل اجرایی طرح، درجهت ممانعت از اخراج کارگران در مقابل جذب کارورزان، به دلیل ضعف و عدم شفافیت نهاد بازرسی، هیچ تضمین اجرایی محکمی برای جلوگیری از تهدید مشاغل کارگران با اجرای طرح کارورزی وجود ندارد. علاوه بر این، مسئله‌ی کارگران موقت مطرح می‌شود. این قشر از کارگران که در دهه‌های اخیر، با انواع و اقسام ترفندهای قانونی و فراقانونی، بر شمار آنها افزوده شده است، بیش از پیش در معرض بی‌ثباتی شغلی قرار می‌گیرند. با اجرای طرح «کارورزی»، کارفرما به راحتی می‌تواند کارگران موقت را که قراردادهای بی‌ثبات و وضعیت بیمه‌ی نامشخصی دارند، اخراج و به جای آنها، کارورزان ارزان‌قیمت را جذب کند.

سود برای بخش خصوصی تأکید کرده است. اکنون، اجرایی کردن طرح کارورزی درواقع لغزاندن جمعیت عظیم فارغ‌التحصیلان بیکار به دهان سیری‌ناپذیر سرمایه‌ای است که مایل است نیروی کار هرچه ارزان‌تر و بی‌ثبات‌تر را به نفع سود سرمایه‌دار جذب کند. نگاهی به بندهای آیین‌نامه‌ی اجرایی این طرح، ماهیت واقعی آن را به خوبی مشخص می‌سازد.

یک. بر اساس ماده‌ی ۱۰ طرح کارورزی، کارفرما هیچ تعهدی به استخدام موقت یا دائمی کارورز ندارد. همچنین، کارورز فاقد هرگونه حقی بر شمولیت تحت قوانین کار و تأمین اجتماعی است. متولیان طرح در حالی که مدعی اشتغال زایی با چنین برنامه‌هایی هستند، باید پاسخ دهند که چهار تا شش ماه کارورزی بدون تعهد کارفرما به استخدام، چگونه می‌تواند ضامن کاهش نرخ بیکاری باشد؟ آیا هدف، علاوه بر کاهش دستمزدها و کاهش امنیت شغلی، ایجاد تغییرات صوری و غیرواقعی در آمارها نیست؟

دو. بر اساس متن دستورالعمل اجرایی طرح، مُزد کارورز «تا سقف» یک سوم حداقل دستمزد کشور (ماده‌ی ۸)، برای مدت چهار تا هشت ساعت در روز (تبصره‌ی ماده‌ی ۶)، در نظر گرفته شده است که نیمی از آن را دولت می‌پردازد. این مُزد که برای فرار از اعطای دیگر حقوق کار به کارورز «کمک هزینه‌ی آموزشی» نام گرفته، نه تنها حداقل نیازهای انسانی کارورز را تأمین نمی‌کند، بلکه نظر به عدم وجود دستورالعمل برای پرداخت حقوق کارورز، هیچ تضمینی برای پرداخت دستمزد در پایان دوره، طبق تبصره‌ی ماده‌ی هشت و یا وعده‌ی جهانگیری که پرداخت دستمزد به شکل ماهیانه

ما، امضاکنندگان این بیانیه ضمن تأکید بر ماهیت استثماری «برنامه‌ی اشتغال فراگیر» (به‌ویژه طرح کارورزی) اعلام می‌کنیم که این طرح هدفی جز تأمین نیروی کار بسیار ارزان و بی‌ثبات برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی ندارد و پیامد آن افزایش ناامنی شغلی و تضعیف بیش از پیش سطح زندگی برای طبقات فرودست است. کارفرمایان و مقامات دولتی، از جمله وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تاکنون از هیچ فرصتی برای تبلیغ میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی بیکار در ایران به عنوان نیروی کار ارزان در پیشگاه هیئت‌های تجاری و سرمایه‌گذاران خارجی دریغ نکرده‌اند.

طرح کارورزی شرایط کاری را برای کارگران شکننده و بی‌ثبات می‌کند. با وجود واردکردن قیودی در دستورالعمل اجرایی طرح، درجهت ممانعت از اخراج کارگران در مقابل جذب کارورزان، به دلیل ضعف و عدم شفافیت نهاد بازرسی، هیچ تضمین اجرایی محکمی برای جلوگیری از تهدید مشاغل کارگران با اجرای طرح کارورزی وجود ندارد

صندوق بین‌المللی پول نیز طی گزارش خود در سال ۲۰۱۷ درباره‌ی ایران، بر اهمیت این تحصیل‌کرده‌های بیکار در بالابردن



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶



تکلیف مشخص است: این افراد اگر کارآموزی هستند که موضوع بند «الف» هستند، به گفته ی قانون باید به مراکز کارآموزی یا آموزشگاه‌های آزاد معرفی شوند و حق ورود به محیط کار را ندارند. اگر موضوع بند «ب» باشند باید مشمول تمامی قوانین کار بشوند. یعنی باید دستمزد و بیمه مطابق قوانین کار به آنها تعلق بگیرد. طبق این قوانین، نوجوان شاغل باید ۶ ساعت در روز کار کند. در این صورت هم باید قرارداد کارآموزی وجود داشته باشد که کارفرما متعهد به جذب فرد شود.

البته ما با صراحت اعلام می‌کنیم که مشکل طرح کارورزی - و طرح‌های مشابه - به هیچ‌عنوان محدود به نواقص آیین‌نامه‌ای و حقوقی نیست؛ بلکه این طرح از اساس استثماری و مشکلات آن ریشه‌ای‌تر است و پیامدهای اجتماعی آن فاجعه به بار می‌آورد. بی تردید قانون کار کنونی، خود بخشی از مشکلات وضعیت کارگران ایران است. اما مسئله آن جاست که مجریان قانون خود را برای سودجویی بی حصر از کارگران با حداقل‌های در نظر گرفته شده و ذیل پرچم قانون، محق می‌دانند.

می‌شود اجباری کرده است که پرداخت حق بیمه‌ی آن نیز نه بر عهده‌ی کارفرما، که بر عهده‌ی خود دولت است. این در حالی است که بدهی گزاف دولت به سازمان تأمین اجتماعی، مانع از این می‌شود که دولت به این وظیفه به‌درستی عمل کند.

وزارت کار، طی جوابیه‌هایی اشاره کرده است که طرح کارورزی به هیچ وجه به قانون کار ارتباطی ندارد، بلکه بحثی آموزشی است و خارج از محیط کار تعریف می‌شود؛ در حالی که ورود به محیط کار باید تحت نظام قانون کار تعریف شود. مگر اینکه بگوئیم تعریفی از این موضوع در قانون کار نیست؛ موضوع بند «الف» ماده «۱۱۲» در قانون کار می‌گوید افرادی که داوطلبانه برای کارآموزی می‌آیند، در صورتی که به کارآموزی توأم با کار اشتغال داشته باشند، مشمول بند «ب» ماده «۱۱۲» می‌شوند که در شرط اول آن است که سن آنها بین ۱۵ تا ۱۸ سال باشد؛ و در ضمن حقوقی در این قانون برای آنها در نظر گرفته شده است که باید به ایشان تعلق بگیرد (ماده «۷۹» تا «۸۴»؛ همچنین باید از حقوق شورای عالی کار تبعیت کنند و بیمه شده باشند. در صورتی که قرار نباشد فرد حین کارآموزی کار کند، باز هم

چهار. ماده‌ی ۱۹ دستورالعمل اجرایی، به سازوکار حل اختلاف بین کارورز و کارفرما اشاره دارد. در صورتی که در قانون کار کنونی، اختلافات بین کارگر و کارفرما عمدتاً به شوراهای حل اختلاف حواله داده شده، ماده‌ی ۱۹ با پیروی از لایحه‌ی تصویب‌نشده‌ی اصلاح قانون کار، مرجع بی‌طرفی را برای حل اختلاف تعیین نکرده است و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، وزارت کار و اداره‌ی استانی وزارت کار را مرجع حل اختلاف قرار داده است. به این ترتیب در صورت بروز هرگونه اختلاف بین کارورز و کارفرما، هیئتی که متشکل از نمایندگان دولت است به مشکلات رسیدگی می‌کند. نقش تشکلهای کارگری (رسمی و غیرمستقل) به طور کامل نادیده گرفته شده است. از این منظر، طرح «کارورزی»، در راستای تبدیل قانون کار از مسئله‌ی حقوق عمومی به مسئله‌ی حقوق خصوصی عمل می‌کند.

پنج. در حالی که بنابر قانون کار، شخص به محض ورود به کارگاه و مشغول‌شدن به کار باید ذیل بیمه‌ی تأمین اجتماعی قرار بگیرد، دولت کارفرما را از بیمه‌ی کارورز معاف کرده و تنها بیمه‌ی مسئولیت مدنی را که شامل بیمه‌ی حوادث



بولتن کارگری

کارگروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

با جرئت

تضمینی برای استخدام- و سپس جایگزین کردن چند دانش‌آموخته‌ی دیگر، تنها آمارهای مقطعی بیکاری را کاهش می‌دهد.

از طرفی، طرح «کارورزی» تنها فرافکنی بحران در آموزش عالی و سرپوش گذاشتن بر آن است. «کارورزی» طرحی در جهت «انتقال مهارت» است، حال آن‌که در تمام رشته‌های فنی و مهندسی - که آماج اصلی طرح کارورزی هستند -

چنین طرح‌هایی هستند، اما مضاکنندگان این بیانیه خواستار لغو «طرح کارورزی» هستیم. همچنین از اتحاد جامعه می‌خواهیم تا نسبت به تصویب و اجرا شدن چنین طرح‌هایی تحت عنوان شعار «خارج کردن جامعه از بحران» اعتراض کنند. این‌گونه طرح‌های ضد اجتماعی و سودمحور، نه تنها با کرامت و زیست انسانی کارگران، دانشجویان و بیکاران، که با قوانینی چون قانون کار که حداقل پشتیبان‌های حمایتی از نیروی کار را تأمین می‌کنند، مغایرت دارند. در نتیجه خواست فوری و صریح ما الغای طرح کارورزی و طرح‌های مشابه آن نظیر «مهارت‌آموزی در محیط کار» است. ما مصرانه از معلمان، پرستاران، کارگران، دانشجویان و تمامی متعهدان به آرمان برابری و عدالت می‌خواهیم در برابر این حملات غیرانسانی به نیروهای کار بایستند.

در این صورت تفاوتی ندارد که فرد بیکار باشد یا شاغل، این طبقه کارگر است که قدرت چانه‌زنی‌اش را هرچه بیشتر از دست می‌دهد.

دولت از طریق «کارورزی» صرفاً به دنبال راه فراری است تا با دستکاری در آمار و ارقام، موفقیتش در کاهش بیکاری را به رخ بکشد. در حالی که به کارگماردن دانش‌آموختگان دانشگاهی به مدت چهار تا شش ماه - بی هیچ

پولی‌سازی‌های فزاینده‌ی امکانات دانشگاهی و چندین طرح و نقشه‌ی دیگر نیز مشهود است - اساساً دیگر دانشگاه جایی برای تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های صنفی و سیاسی نخواهد بود. دانشجویان همواره کارگرانی بالقوه خواهند بود که هرچه سریع‌تر باید روند تحصیل را طی کنند و مهارت بیاموزند تا به کارگران بالفعل ارزان‌قیمت بدل شوند. اگر «طرح کارورزی» صرفاً برای دانش‌آموختگان دانشگاهی است اما «طرح مهارت‌آموزی در محیط کار واقعی» همه اقشار جامعه را دربرمی‌گیرد. اینجا دیگر نه خبری از آن ۳۱۰ هزار تومان است، و نه معافیت دو ساله‌ی بیمه. این طرح به طور مشخص به کارفرماها اجازه می‌دهد از مهارت‌آموزها به‌عنوان نیروهای ارزان‌قیمت و حتی رایگان استفاده کنند.

با استناد به تمام دلایل فوق و در همراهی با اعتراضات گسترده‌ی اقشار مختلف، که آماج حملات

از این روست که ما بر ضعف‌های قانونی که هدفش درهم شکستن تمامی امکان‌های مقاومت برضد ارزان‌سازی هرچه بیشتر نیروی کار است، دست می‌گذاریم.

با اجرایی شدن این طرح، بیکارهای تازه‌وارد و شاغلان قدیمی، هردو حقوقشان به خطر می‌افتد. عرضه‌ی مازاد بر تقاضای نیروی کار باعث می‌شود قیمت نیروی کار پایین بیاید.

دانشجو به عنوان بخشی از برنامه‌ی درسی خود باید در محیط‌های واقعی کار، ساعت‌ها «کارآموزی» بگذراند. پس از گذراندن این «کارآموزی»، «کارورزی» چه سودی برای مهارت‌آموزی دانشجو دارد؟

علاوه بر اینها «کارورزی»، از آن جهت که نشان از روحیه‌ی عمومی دولت در مواجهه با مسئله‌ی دانشگاه دارد - یعنی نگرستن به دانشگاه همچون بنگاهی سودآفرین و خوداتکا و کارخانه‌ی تولید نیروی کار تحصیل‌کرده‌ی ارزان‌قیمت - به تشدید رکود سیاسی-اجتماعی دانشگاه‌ها می‌انجامد. در ذیل چنین رویکردی به دانشگاه - که نه فقط در طرح «کارورزی»، بلکه در طرح‌هایی مثل سهمیه‌بندی یارانه‌ی دانشگاه‌ها بر اساس پتانسیل اشتغال‌زایی آن‌ها، طرح تحول در علوم انسانی، گنجاندن درس‌هایی چون «مبانی کارآفرینی» در دروس رشته‌هایی مثل علوم اجتماعی و





بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

تیتراخبار

این صفحه، اختصاص دارد به تیتراخبار های کارگری در هفته ای که گذشت. سرفصل جدیدی از بولتن کارگری، که در گسترش اطلاع رسانی اخبار و حمایت از جنبش کارگری به شرح زیر ارایه می شود.

- / اعتراض کارگران چوفا نسبت به بلاتکلیفی شغلی/معوقات پرداخت نشد
- / اعتراض دو هفته‌ای کارگران سیمان کارون/کارفرما: ادامه تولید تنها راه حل مشکلات
- / دستمزد خبازان ثابت مانده است/با افزایش قیمت نان؛ کارگران متضرر می‌شوند
- / ادامه تجمعات اعتراضی کارگران کارخانه چوب و فلز اردکان نسبت به بلاتکلیفی شغلی ومعیشتی،مقابل استانداری یزد
- / تجمع کارگران اداره راهداری اصفهان دراعتراض به نداشتن امنیت شغلی وقراردادکاری و عدم تجمع کارگران پروژه قطارشهری اهوازدراعتراض به عدم پرداخت یکسال حقوق مقابل استانداری خوزستان
- / کارگران معترض تهدید به اخراج از کارشدند
- / شکایت کارگران کارخانه تولید ریزدانه‌های شبتاب فراهان نسبت به عدم پرداخت ماه ها حقوق وحق بیمه
- / اخراج ۲۰ کارگر کارخانه پوشش لوله خوزستان
- / اعتراض صنفی کارگران گروه ملی فولاد صنعتی اهواز/درخواست امام‌جمعه از مسئولان برای رسیدگی
- / اعتراض کارکنان فرودگاه تورنتو به نحوه قرارداد کار
- / تجمع کارگران تولی‌پرس برای جلوگیری از توقیف اموال کارخانه
- / یک ماه از معوقات کارگران شهرداری سردهشت پرداخت شد
- / تجمع اعتراضی کارگران کاشی احسان میبد نسبت به تعطیلی کارخانه، عدم پرداخت ۷ماه حقوق وحق بیمه
- / دفترچه های بیمه کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تمدید اعتبار نمی شود



بولتن کارگری

کارگروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

- / گرمزدگی حین کار ۶ کارگر شهرداری بوشهر را روانه بیمارستان کرد
- / جان باختن کارگر جوان کارخانه نئوپان سوادکوه بر اثر سقوط از ارتفاع
- / یک کارگر در حادثه کارخانه سیمان خوزستان جان باخت
- / مرگ یک کارگر در تنکابن بر اثر سقوط حین کار در ساختمان نیمه کاره
- / تجمع اعتراضی کارگران گلخانه‌های فرودگاه یاسوج نسبت به بلاتکلیفی شغلی مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد
- / تعطیلی کارخانه روغن نباتی جهان زنجان از ۱۰ روز پیش
- / کابوس بیکاری کارگران این واحد تولیدی را رها نمی کند
- / جزئیات جدید از مرگ کارگر کارخانه داروسازی رشت* که جانش را فدای همکارش کرد
- / کارگران معدن امین یار فاریاب صبر زیادی به خرج داده‌اند/ مطالباب مزدی کامل پرداخت شود .
- / سوختگی شدید تعدادی از کارگران سیمان خوزستان+اسامی مصدومان
- / ۱۵ کارگر فولاد خوزستان در بندر امام خمینی اخراج شدند
- / ادامه اعتصاب کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران برای ششمین روزمتوالی
- / تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چوب و فلز اردکان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل فرمانداری
- / تجمع کارگران اخراجی کارخانه فولاد خوزستان برای بازگشت بکار
- / جان باختن کارگر کارخانه داروسازی رشت بر اثر مسمومیت دارویی
- / واگذاری مشکوک کارخانه ۳,۵ میلیارد تومانی با آورده اولیه ۴۰۰ میلیون تومان!
- / اعتراض کارگران پیمانی شهرداری اهواز ادامه دارد/ منتظر پی گیری خواسته های صنفی خود هستیم با وجود ۷ سال کار؛
- / تشدید نگرانی کارگران «حفاری شمال» از تعدیل/ املاک شرکت به مزایده گذاشته شد
- / سرنوشت بیش از ۵۰۰۰ کارگزار صندوق بیمه کشاورزی در هاله‌ای از ابهام .
- / جمعی از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه:هفت تپه، کارگران، اعتصاب و بازهم گرسنه ایم



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

- / کارگران مناطق هشت گانه شهرداری اهواز هفته اول اعتراضشان را با تجمع دوباره مقابل استانداری خوزستان پایان رساندند
- / دورجدید اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد ایران پنجمین روزش را پشت سر گذاشت
- / تجمع اعتراضی کارکنان مخابرات روستایی خوزستان نسبت به بلاتکلیفی استخدامی مقابل استانداری خوزستان
- / تجمع شبانه روزی کارگران شرکت لبنیاتی ارژن اهواز برای احقاق حقوق برحقشان
- / تجمع کارگران آجرثبات دراعتراض به قطع گاز کارخانه مقابل فرمانداری قرچک
- / محسن عمرانی، معلم زندانی نیازمند رسیدگی پزشکی است
- / عدم پرداخت ۵ ماه حقوق کارگران کارخانه متالوژی پودر
- / کارگران کارخانه متالوژی پودر گفتند: استاندار قزوین چگونه ادعا می‌کند که هیچ اعتراض و مشکل کارگری نداریم در حالی که نزدیک به ۵ ماه است که ما حقوق نگرفته‌ایم.
- / محرومیت کارکنان پیمانکاری و قراردادی صنعت نفت محروم از «حق بدی آب و هوا» - تبعیض در پرداخت‌ها و شرایط شغلی در گرمای جنوب
- / عدم پرداخت ۲ ماه حقوق کارگران مولد بخار شرکت پیمانکاری مه ریل زیر مجموعه رجا
- / بازهم وعده پرداخت مطالبات کارگران شهرداری سردشت تو خالی درآمد
- / عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۴ ماه حق بیمه کارگران کارخانه اسوه ایران
- / مرگ یک کارگر مقنی بر اثر سقوط در چاه یک امامزاده
- / جان باختن یک کارگر ساختمانی در منطقه سنندج
- / تجمع کارگران مناطق هشت گانه شهرداری اهواز در ششمین روزاعتراض به عدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری خوزستان
- / دومین روز اعتصاب کارگران معدن امین یار فاریاب دراعتراض به نداشتن قرارداد و عدم پرداخت ۶ ماه حقوق
- / اعتصاب کارگران خط و ابنیه راه‌آهن اندیمشک دراعتراض به عدم پرداخت چندماه حقوق و وتجمعیشان مقابل فرمانداری
- / اعتصاب کارگران کشتارگاه صنعتی بجنورد دراعتراض به عدم پرداخت ماه‌ها حقوق و حق بیمه
- / بازگشت بکار کارگران کارخانه هپکوپس از مرخصی اجباری و پرداخت قطره چکانی مطالباتشان!
- / بازگشت بکار کارگران به کارخانه سیمان کیاسر
- / بیانیه‌ی انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز) در خصوص حکم صادره طاهر قادرزاده عضو انجمن صنفی فرهنگیان کردستان
- / مرگ یک کارگر در کارخانه سیمان کارون بر اثر ایست قلبی



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

/ جان باختن کارگرایان برق قم هنگام نصب ترانس

/ اعتراض صنفی کارگران مناطق هشت‌گانه شهرداری اهواز ادامه دارد

/ عضو کارگری شورای عالی حفاظت فنی و بهداشت کار:

امکان تکرار انفجار «زمستان یورت» در معدن «راور» / بی‌توجهی کارفرمایان معادن به اصول ایمنی ادامه دارد

/ تجمع اعتراضی کارگران کارخانه آذراب اراک مقابل استانداری مرکزی برای باری دیگر!

/ اقدام به خودکشی کارگر پیمانکار دانشگاه آزاد اسلامی کرج در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق

/ بلاتکلیفی شغلی ۲۰۰ کارگرسیمان کیاسر بدنبال تعطیلی کارخانه

/ عدم پرداخت ۶ ماه حقوق کارگران کارخانه نختاب فیروزان تبریز

/ شرایط کارسخت و طاقت فرسای کارگران کارخانه بازیافت زباله بانه



بولتن کارگری

کارگروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۶ / ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۶

بلون شرح

